

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همه‌ی امتیازهای این پایان‌نامه به دانشگاه بوعلی‌سینا تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب این پایان‌نامه در مجلات، کنفرانس‌ها و یا سخنرانی‌ها، باید نام دانشگاه بوعلی‌سینا (یا استاد راهنمای پایان‌نامه و نام دانشجو) با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود. در غیر اینصورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.



دانشگاه بوعلی سینا
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

عنوان:

شیوه ی روائی در آثار غسان کنفانی، بررسی موردی
"رجال فی الشمس" و "ما تبقی لکم".

استاد راهنما:

دکتر فرامرز میرزایی

استاد مشاور:

دکتر صلاح الدین عبدی

نگارش:

مریم مرادی

تقدیم به انسان‌های آزاده‌ایں که مقاومت، توتہ آنہاست...

تقدیر و سپاس

بعد از سپاس بی نهایت به نگاه حق، از الطاف بی کران او که همواره همراه من بوده است، از تمامی عزیزانی که در نخواستن این پایان نامه یاری ام کرده اند صادقانه سپاسگزار می‌کنم. از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر فرامرز میرزایی که راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشته، با صبر و دقت فراوان ابهامات این جانب را برطرف و پایان نامه را مطالعه کرده اند، صمیمانه سپاسگزارم. از استاد مشاور، جناب آقای دکتر صلاح الدین عبدی که صمیمانه پایان نامه را دنبال کرده و از هیچ کجایی دریغ نفرموده اند، کمال تشکر را دارم؛ هم چنین از دیگر اساتید بزرگوار گروه عربی و به ویژه جناب آقای دکتر طاهری نیا که از کلاس های ایشان بهره بردیم، سپاسگزارم و برای همه ی این عزیزان از خدای منان، طلب سعادت و سلامت دارم. همچنین جا دارد تا از زحمات بی دریغ اساتید بزرگوار که در دوره ی کارشناسی، بنیان های اندیشه ی مرا استوار ساختند قدر دانی نمایم. در نهایت، از زحمات بی پایان خانواده ام به ویژه پدر و مادر نازنینم، کمال تشکر را دارم و از خداوند متعال بهترین ها را برایشان خواهم و از دوستان بسیار عزیزم، فاطمه ی نازنین، گلاویژ و سامره ی عزیز که روزهای دور از خانه را برایم آسان و پربار کردند، سپاسگزارم.



دانشگاه بوعلی سینا
مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی

عنوان: شیوه ی روائی در آثار غسان کنفانی، بررسی موردی "رجال فی الشمس" و "ما تبقی لکم".

نام نویسنده: مریم مرادی

نام استاد راهنما: دکتر فرامرز میرزایی

نام استاد مشاور: دکتر صلاح الدین عبدی

گروه آموزشی: زبان و ادبیات عربی □

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی □

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

گرایش تحصیلی: زبان و ادبیات عربی

رشته تحصیلی: زبان و ادبیات عربی □

تعداد صفحات: ۱۶۸

تاریخ دفاع: ۱۳۸۹/۱۱/۱۶

تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۶/۱۸

چکیده:

دانش روایتگری، به استنباط قواعد درونی انواع ادبی و استخراج نظم حاکم بر آن، پرداختن به ساختار و تعیین ویژگی‌ها و شاخصه‌ها، توجه نشان می‌دهد. بهره‌گیری از فنونی چون راوی دانای کل در روایت رجال فی الشمس، به همراه توجه به لایه‌های درونی شخصیت‌ها و واکاوی احساس آن‌ها و روایت داستان بر مبنای شکست‌های زمانی پس‌نگر و استفاده از وقفه‌های توصیفی، به منظور برانگیختن هول و ولا، در کنار دیگر شیوه‌های روایی به کار گرفته شده در داستان، از عمده‌ترین تمهیداتی است که کنفانی برای روایت داستان خود برگزیده است.

کنفانی در ما تبقی لکم، صرف نظر از حضور راوی دانای کل در صفحات ابتدایی داستان، غالباً دید هماهنگ را برای روایتگری مورد استفاده قرار داده است. گوناگونی روایتگر، یکی از ویژگی‌های داستان‌سرایی این داستان است. حضور داستان‌سرا به عنوان «اول‌شخص درگیر» در متن رویدادها، امکان دریافتن فرآیندهای ذهنی و احساسی دیگر شخصیت‌ها را برای وی دشوار و بر پایه‌ی حدس و گمان می‌سازد. استفاده از پس‌نگری‌های پشت سرهم و متناوب، نمود یافتن تأملات روحی شخصیت‌ها به صورت تک‌گویی درونی و جریان سیال ذهن، تداخل زمان‌های روایی و استفاده از توصیف، به عنوان عاملی در جهت فضاسازی داستان، در کنار دیگر شیوه‌های روایی، در این داستان مورد استفاده قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: شیوه‌ی روایی، غسان کنفانی، رجال فی الشمس، ما تبقی لکم.

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱-مقدمه.....	۱
۲-۱-تعریف مسئله و بیان نکات اصلی تحقیق.....	۳
۳-۱-اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۳
۴-۱-اهداف پژوهش.....	۳
۵-۱-فرضیه‌های پژوهش.....	۳
۶-۱-روش تحقیق.....	۴

فصل دوم: پیشینه‌ی پژوهش

۱-۲-پیشینه‌ی پژوهش.....	۶
۲-۲-تعریف واژگان اصلی.....	۶

فصل سوم: مفاهیم

۱-۳-گونه‌های مختلف روایتگر (انواع زاویه‌ی دید).....	۹
۱-۱-۳-راوی دانای کل نا محدود(زاویه‌ی دید بیرونی).....	۱۰
۱-۱-۳-چند آوایی.....	۱۱
۲-۱-۳-راوی دانای کل محدود.....	۱۲
۳-۱-۳-شیوه‌ی روایت عینی (روایت با راوی شخصی).....	۱۲
۴-۱-۳-راوی اول شخص (زاویه‌ی دید درونی).....	۱۳
۱-۴-۱-۳-روش‌های ارائه‌ی زاویه‌ی دید درونی.....	۱۴
۲-۴-۱-۳-روایتگری بر اساس زاویه‌ی دید درونی(تک‌گویی).....	۱۵
۲-۳-روایتگر و نقل قول داستانی.....	۱۷
۱-۲-۳-اشکال مختلف روایت نقل قول.....	۱۸
۳-۳-شیوه‌های روایت شخصیت.....	۲۰
۱-۳-۳-تحلیل معنایی شخصیت.....	۲۱
۲-۳-۳-زیرشاخه‌های شخصیت روایی.....	۲۲
۴-۳-کانون روایت.....	۲۳
۱-۴-۳-انواع کانون‌سازی.....	۲۴
۲-۴-۳-زیرشاخه‌های کانون‌سازی درونی و بیرونی.....	۲۵

صفحه	عنوان
۲۶	۳-۴-۳-کانون‌های زاویه‌ی دید.....
۲۷	۳-۴-۴-نقش حادثه در پیش‌برد روند داستان و کانون‌سازی.....
۲۸	۳-۵-۵-مکان روایت.....
۲۹	۳-۵-۱-انواع مکان بر اساس رابطه‌ی روایت و مکان.....
۳۰	۳-۵-۲-دیدگاه مکانی.....
۳۱	۳-۵-۳-فضای روایی.....
۳۱	۳-۶-۶-زمان.....
۳۲	۳-۶-۱-ابعاد زمان در روایت.....
۳۳	۳-۶-۱-۱-ترتیب.....
۳۶	۳-۶-۱-۲-بسامد.....
۳۷	۳-۶-۱-۳-تداوم.....
۴۰	۳-۶-۲-اقسام زمان.....
۴۱	۳-۷-۷-جایگاه توصیف در عمل روایی.....
۴۱	۳-۷-۱-انواع توصیف.....

فصل چهارم: تحلیل روایتگری رمان رجال فی الشمس

۴۳	گذری بر زندگی و آثار غسان کنفانی.....
۴۴	۴-۱-خلاصه‌ی رمان رجال فی الشمس.....
۴۴	۴-۲-جایگاه روایتگر در داستان رجال فی الشمس.....
۴۷	۴-۲-۱-روایتگر و شخصیت‌های اصلی.....
۴۸	۴-۲-۲-روایتگر و شخصیت‌های فرعی.....
۵۰	۴-۳-روایتگر و نقل قول داستانی در رجال فی الشمس.....
۵۶	۴-۴-انواع روایتگر (انواع دیدگاه) در رجال فی الشمس.....
۶۰	۴-۵-اقسام تک‌گویی در رمان رجال فی الشمس.....
۶۵	۴-۶-کانون روایت در رجال فی الشمس.....
۶۷	۴-۶-۱-کانون‌سازی بیرونی.....
۶۸	۴-۶-۱-۱-کانون‌سازی بیرونی از درون.....
۶۹	۴-۶-۱-۲-کانون‌سازی بیرونی از بیرون.....

صفحه	عنوان
۷۰	۴-۶-۲-کانون‌سازی درونی.....
۷۰	۴-۶-۱-کانون‌سازی درونی از درون.....
۷۰	۴-۶-۲-کانون‌سازی درونی از بیرون.....
۷۱	۴-۷-۷-شیوه‌های روایت شخصیت در رجال فی الشمس.....
۷۲	۴-۷-۱-شخصیت‌ها در رجال فی الشمس.....
۸۱	۴-۷-۲-تحلیل معنایی شخصیت.....
۸۴	۴-۸-۸-زمان روایت در رجال فی الشمس.....
۸۴	۴-۸-۱-ترتیب.....
۸۴	۴-۸-۱-بازگشت به گذشته.....
۸۹	۴-۸-۱-آینده‌نگری.....
۸۹	۴-۸-۲-بسامد.....
۹۰	۴-۸-۲-بسامد مکرر.....
۹۰	۴-۸-۲-بسامد اختصاری.....
۹۱	۴-۸-۳-بسامد منفرد.....
۹۳	۴-۸-۳-تداوم.....
۹۳	۴-۸-۳-حذف.....
۹۴	۴-۸-۳-تلخیص.....
۹۵	۴-۸-۳-صحنه.....
۹۷	۴-۸-۳-وقفه.....
۹۸	۴-۸-۴-انواع زمان در رجال فی الشمس.....
۹۹	۴-۹-۹-نقش مکان‌های روایی در پیش‌برد روند داستان.....
۱۰۲	۴-۹-۱-تأثیر محیط بر عمل داستانی.....
۱۰۳	۴-۹-۲-فضا سازی داستان.....
۱۰۴	۴-۱۰-۱۰-ویژگی‌های زبانی روایت در رجال فی الشمس.....
۱۰۵	۴-۱۰-۱-کاربرد انواع توصیف در روایت مکان.....
۱۰۶	۴-۱۰-۲-کاربرد انواع توصیف در روایت زمان.....
۱۰۷	۴-۱۰-۳-کاربرد انواع توصیف در روایت شخصیت.....

فصل پنجم: تحلیل روایتگری رمان ما تبقی لکم

صفحه	عنوان
۱۰۸	۴-۱۰-۴-تشبیه در رجال فی الشمس.....
۱۱۲	۵-۱-خلاصه‌ی رمان ما تبقی لکم.....
۱۱۲	۵-۲-جایگاه روایتگر در داستان ما تبقی لکم.....
۱۱۵	۵-۲-۱-روایتگر و شخصیت‌های اصلی.....
۱۱۶	۵-۲-۲-روایتگر و شخصیت‌های فرعی.....
۱۱۶	۵-۳-روایتگر و نقل قول داستانی در ما تبقی لکم.....
۱۲۱	۵-۴-انواع روایتگر (انواع دیدگاه) در ما تبقی لکم.....
۱۲۶	۵-۵-اقسام تک‌گویی در رمان ما تبقی لکم.....
۱۲۹	۵-۶-کانون روایت در ما تبقی لکم.....
۱۲۹	۵-۶-۱-کانون‌سازی بیرونی.....
۱۳۰	۵-۶-۱-۱-کانون‌سازی بیرونی از درون.....
۱۳۰	۵-۶-۱-۲-کانون‌سازی بیرونی از بیرون.....
۱۳۱	۵-۶-۲-کانون‌سازی درونی.....
۱۳۲	۵-۶-۲-۱-کانون‌سازی درونی از درون.....
۱۳۲	۵-۶-۲-۲-کانون‌سازی درونی از بیرون.....
۱۳۳	۵-۷-شیوه‌های روایت شخصیت در ما تبقی لکم.....
۱۳۵	۵-۷-۱-شخصیت‌ها در ما تبقی لکم.....
۱۴۰	۵-۷-۲-تحلیل معنایی شخصیت.....
۱۴۴	۵-۸-زمان روایت در ما تبقی لکم.....
۱۴۴	۵-۸-۱-ترتیب.....
۱۴۵	۵-۸-۱-۱-بازگشت به گذشته.....
۱۴۷	۵-۸-۱-۲-آینده‌نگری.....
۱۴۷	۵-۸-۲-بسامد.....
۱۴۷	۵-۸-۲-۱-بسامد مکرر.....
۱۴۸	۵-۸-۲-۲-بسامد بازگو.....
۱۴۹	۵-۸-۲-۳-بسامد منفرد.....

صفحه	عنوان
۱۴۹	۵-۸-۳-تداوم.....
۱۴۹	۵-۸-۳-۱-حذف.....
۱۵۰	۵-۸-۳-۲-تلخیص.....
۱۵۱	۵-۸-۳-۳-صحنه.....
۱۵۱	۵-۸-۳-۴-وقفه (مکث).....
۱۵۳	۵-۸-۴-انواع زمان در ما تبقی لکم.....
۱۵۳	۵-۹-۹-نقش مکان‌های روایی در پیش‌برد روند داستان.....
۱۵۶	۵-۹-۱-فضا سازی داستان.....
۱۵۷	۵-۱۰-۱-ویژگی‌های زبانی روایت در ما تبقی لکم.....
۱۵۸	۵-۱۰-۱-۱-کاربرد انواع توصیف در روایت مکان.....
۱۵۹	۵-۱۰-۲-کاربرد انواع توصیف در روایت زمان.....
۱۶۰	۵-۱۰-۳-کاربرد انواع توصیف در روایت شخصیت.....
۱۶۱	۵-۱۰-۴-تشبیه در ما تبقی لکم.....

فصل ششم: نتیجه

۱۶۴	نتیجه‌گیری.....
۱۶۹	منابع.....

فصل نخست

کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه

شناخت ادبیات مقاومت فلسطین و آگاهی یافتن نسبت به اسلوب‌های ادبی و تکنیک‌های ویژه‌ی داستانی در این حوزه، امری ارزشمند است. از این رو، این پایان‌نامه بر آن است تا با بررسی شیوه‌های روایتگری دو رمان «رجال فی الشمس» و «ما تبقی لکم» از آثار غسان کنفانی، با رویکردی تازه به رمان‌های ادب مقاومت فلسطین بنگرد.

این پژوهش، از شش فصل تشکیل شده است، فصل نخست شامل پیش‌گفتار و طرح مسئله است و فصل دوم، به پژوهش‌های انجام گرفته در رابطه با ادب غسان کنفانی و تحلیل آثار او نظر دارد و همچنین تعریفی از برخی واژه‌ها که فهم آن، برای تحلیل یک رمان از جنبه‌ی روایتگری لازم است، در این فصل ارائه گشته است. فصل سوم، شامل مفاهیمی است که در بررسی دو رمان «رجال فی الشمس» و «ما تبقی لکم» مورد توجه قرار گرفته اند از این رو، از بیان مفاهیمی که در این دو رمان دارای مصداق نمی‌باشند، پرهیز گردیده است. از سوی دیگر، گستردگی مفاهیم مورد بررسی در این شیوه‌نامه موجب گردیده است تا به ناچار، فصل زیادی به مفاهیم و تعاریف آن‌ها اختصاص یابد. دو فصل چهارم و پنجم، به تحلیل رمان‌ها بر مبنای مفاهیم از پیش ذکر شده اختصاص دارد و در نهایت، فصل ششم، به نتیجه‌گیری داده‌ها اختصاص یافته است.

در این پژوهش، مواردی هم‌چون جایگاهی که روایتگر انتخاب می‌کند تا از آن نقطه، به شخصیت‌ها و رویدادهای داستان بنگرد، شیوه‌ی بیان انتخابی نویسنده برای انتقال گفتار شخصیت‌ها با هدف رد و بدل نمودن اطلاعات، و نوع روایتگر انتخابی، با توجه به ساختار داستان، در کنار دیگر عناصر روایی، مورد بررسی قرار گرفته اند. به این ترتیب، میزان توفیق نویسنده در ایجاد هماهنگی میان عناصر روایی به کار گرفته شده و مفهومی که قرار است از داستان برداشت شود، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. و با نگاهی گذرا به تاریخ سیاسی دوره‌ی کنفانی، می‌توان گفت که شیوه‌ی پرداخت این دو داستان و تمرکز بر روایت، که مبتنی بر وجود آواهای مختلف در روند روایتگری است، نشان‌دهنده‌ی آگاهی و توجه نویسنده نسبت به شرایط تاریخی و اجتماعی زمانه‌ی خود است.

به منظور بررسی این موضوعات، ابتدا به تشریح و معرفی مفاهیم اساسی اقدام می‌شود. سپس روایت «رجال فی الشمس» و «ما تبقی لکم» کنفانی بر اساس معیارهای ذکر شده مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

از آن رو که امروزه اهمیت نقد روایی، جایگزین نظریه‌ی رمان شده است، پرداختن به این امر، به واسطه‌ی تازگی کار بر این اساس، دارای دشواری‌هایی است. از جمله موانعی که امر پژوهش را با مشکل مواجه نمود، می‌توان به تازگی کار اشاره کرد؛ زیرا که تا به اکنون، در زمینه‌ی نقد روایی داستان، در ایران پژوهش مستقلی انجام نگردیده است و از جمله مشکلاتی که در حین نگارش به وجود آمد، این مسئله بود که در بخش‌هایی از کار، همانند قسمت مرتبط با جایگاه شخصیت در رجال فی الشمس، از آن رو که این داستان، بر محور شخصیت استوار است و مهندسی داستان نیز بر مبنای شخصیت‌ها می‌باشد و از سوی دیگر، عامل زمان نیز در پرداخت داستان، جایگاه ویژه‌ای دارد، حجم این دو بخش، به نسبت دیگر موارد مورد بررسی، تا حدودی بیشتر گشته است.

از جمله نکات دیگری که یادآوری آن قابل ذکر است، می‌توان به این مورد اشاره نمود که در این پژوهش، بررسی شیوه‌های روایی، به شکل عام آن مورد توجه بوده است، از این رو، کار به طور مشخص و انحصاری، بر اساس نظریات نظریه‌پردازان این دانش بنا نگردیده، اگر چه به برخی آراء، از قبیل عقاید «ژنه» اشاره‌هایی شده است.

در بین منابع مورد استفاده برای انجام این بررسی، دو کتاب «دستور زبان داستان» از «احمد اخوت» و «الروایة و السرد القصصی فی الروایة الفلسطینیة المعاصرة» از «محمد ایوب» بیش از سایر منابع، در پیشبرد امر تحقیق مثمرتر واقع گردید و مبنای کار، بر کتاب «فی نظریة الروایة» از «عبدالملک مرتاض» بنیان نهاده شده است.

۱-۲- تعریف مسئله و بیان نکات اصلی تحقیق

روایت، فرایندی است که طی آن، نویسنده، داستان را از راوی به مروی عنه یا خواننده منتقل می‌کند و شامل یک سلسله حوادث و شخصیت‌ها در گفتگوها به همراه توصیف داستانی است. ساز و کارهای شیوه‌ی روایت متفاوت است و عمدتاً روایت از دو زاویه‌ی دید بیرونی (دانای کل) و درونی (حدیث نفس) به مخاطب منتقل می‌شود. با توجه به جایگاه ارزشمند و تاثیر غسان کفانی در ادبیات مقاومت و تحول داستان‌نویسی معاصر فلسطین، تحلیل و بررسی شیوه‌ی روایی داستان‌های وی اهمیت دو چندان دارد. آثار کفانی به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده و ناقدان، داستان‌های «رجال في الشمس» و «ما تبقى لكم» را از بهترین آثار وی برشمرده‌اند، که هر یک تصویری از نگون‌بختی‌های فلسطینیان پس از اشغال می‌باشد.

بر این اساس پرسش‌های زیر مطرح می‌شود:

- ۱- زاویه‌ی دید انتخابی نویسنده، در هر یک از داستان‌ها کدام است؟
- ۲- روایتگر در هر یک از داستان‌ها، بر اساس عامل زمان چگونه به رویدادها و اشخاص داستان می‌نگرد؟
- ۳- جایگاه گفتگو در پرداخت شخصیت‌های داستان کدام است؟

۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

علیرغم حجم گسترده‌ی پژوهش‌های انجام گرفته در دنیای عرب درباره‌ی این نویسنده، اما درباره‌ی شیوه‌ی روایی آثار وی پژوهش مستقلی صورت نگرفته است، اگرچه به صورت کوتاه و گذرا اشاراتی شده است.

۱-۴- اهداف پژوهش

آشنایی با تکنیک‌های داستانی ادبیات مقاومت، به ویژه داستان‌نویس بزرگ فلسطین شهید غسان کفانی.

۱-۵- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- شیوه ی غالب روایت در رجال فی الشمس، دانای کل است و ما تبقی لکم بر مبنای راوی اول شخص روایت می گردد، اگرچه گاهی گریزی هم به شیوه ی دیگر روایت، به شکل اندک دارد.
- ۲- مهم ترین ویژگی شیوه ی روایی غسان کنفانی در پرداختن به شخصیت های داستانی اش، پرش های زمانی به عقب (فلاش بک) و انتخاب فاصله ی روایی نزدیک نسبت به آنها است.
- ۳- گفتگو، عاملی مهم در پیشبرد روند داستان و معرفی شخصیت ها و بیان انگیزه های آنها محسوب می شود.

۱-۶- روش تحقیق

روش پژوهش، کتابخانه ای، توصیفی، تحلیلی می باشد. در این روش، داده ها جمع آوری شده است و با تجزیه و تحلیل آنها به شکل توصیفی، فرضیه های گفته شده به اثبات رسیده اند.

فصل دوم

پیشینه‌ی پژوهش

۲-۱- پیشینه‌ی پژوهش

در زمینه‌ی آثار غسان کنفانی، تحقیقات ارزشمندی مانند موارد زیر انجام گردیده است :

«قضیه رجال في الشمس لغسان كنفاني» دراسة نقدية» از محمد فؤاد السلطان. «دراسة لرواية رجال في الشمس» از محمد جبران. «غسان و الرواية السياسية كأمثولة» از سمير اليوسف. «روايات غسان كنفاني في نص القارئ» از نبيل سليمان. «البعث التاريخي في رواية الشهيد غسان كنفاني "رجال في الشمس"» از مهنا عدنان صلاحات. «الراهن و المتحد في روايتي "رجال في الشمس" و "ما تبقى لكم"» از علي الكردي. «تطور المضامين الزمنية في ادب غسان كنفاني»، گردآوری غنام محمد غنام. «الشخصية في الرواية الفلسطينية المعاصرة» از محمد ايوب. «جهاليات الشخصية الفلسطينية لدى غسان كنفاني» از ماجده حمود. «التجربة النقدية لدى غسان كنفاني» و «الشخصية الفلسطينية و السلاح لدى غسان كنفاني» از ماجده حمود، «قراءة في كتب نقدية عن الرواية الفلسطينية» از اسامه فوزي، «المقاومة و القص في الأدب الفلسطيني» از السيد نجم.

۲-۲- تعریف واژگان اصلی

دانش روایتگری (Narration)

«روایتگری، عملی است که بر عهده‌ی روایتگر داستان است و آن عملی حقیقی یا خیالی است که گفتگو، نتیجه‌ی آن است. این دانش، همه‌ی ابعاد مکانی، زمانی، واقعی و خیالی را شامل می‌شود. روایتگری فرآیند آفرینش است، که در آن، روایتگر در حکم آفریننده است.

روایتگری، شامل مواردی است که از خلال آن، حکایت به داستانی هنری تبدیل می‌گردد، که عبارتند از روایتگر، دیدگاه روایتگر، ترتیب رخ دادن رویدادها و دیگر اسالیب روایی. وظیفه‌ی دانش روایتگری، به عنوان شکلی از اشکال خطاب، توصیف و بیان روند حوادث، به عنوان عملی است که در زمان رخ می‌دهد. در این معنا، روایتگری، منحصر به حیطه‌ی ادبیات نمی‌گردد و می‌توان آن را در کتاب‌های تاریخ، در داسراها، کتاب‌های شیمی، آگهی‌های تبلیغاتی و حتی در متون نمایشنامه‌ای و به منظور به بیان نیاوردن برخی وقایع، به دلائل هنری یا اخلاقی، یافت. « (زیتونی، ۲۰۰۲: ۱۰۵)

روایتگر (Narrator)

« روایتگر، شخصی است که به روایتگری اقدام می‌کند و در مرکز توجه قرار دارد. در هر روایتی، حداقل یک روایتگر و گاه نیز چند روایتگر وجود دارد که روایت داستان را بر عهده می‌گیرند. روایتگر، معمولاً حضوری قابل تشخیص در متن دارد و از دانایی بی‌اندازه برخوردار است و در فاصله‌ایی دور یا نزدیک، نسبت به رویدادها و اشخاص داستان، قرار می‌گیرد.... به طور کلی، روایتگر، ممکن است ارتباطی با دنیای داستان نداشته باشد، یا که به عنوان راوی اول شخص، جزئی از داستان باشد. در این صورت، ممکن است، قهرمان داستان باشد و نقش مهمی در داستان داشته باشد و یا برعکس، فقط شاهد رویدادها باشد. » (پرینس، ۲۰۰۹: ۸۷-۸۶)

فصل سوم

مفاهیم